

The United Nation

- | | | | |
|----------------------|---------------|----------------------|---------------------|
| 1. delegates | نمایندگان | 22 - served | خدمت کردند |
| 2. destruction | ویرانی، خرابی | 23 - Economic | اقتصادی |
| 3. peace | صلح | 24 - role | نقش |
| 4. through | از طریق | 25 - negotiated | مذاکره کردند |
| 5. charter | فصلنامه | 26 - Settlements | توافق نامه |
| 6. States | بایان کردن | 27 - nuclear weapons | ملاعه های هسته ای |
| 7. develop | توسعه دادن | 28 - inspecting | بررسی، بازرسی کردن |
| 8. relation | روابط | 29 - facilities | وسایل - امکانات |
| 9. races | نژادها | 30 - forces | قوا، نیروها |
| 10. agreement | توافق نامه | 31 - involved | درگیر، مشارکت داشتن |
| 11. equal | برابر | 32 - missions | ماموریت |
| 12. within | در داخل | 33 - supervised | نظارت کردند |
| 13. enforce | تأیید کردن | 34 - Ceasefires | آتش بس ها |
| 14. headquarter | اداره مرکزی | 35 - withdrawal | عقب نشینی، عدول |
| 15. General Assembly | جمع عمومی | 36 - troops | سربازها |
| 16. representative | نماینده | 37 - monitored | کنترل شدن |
| 17. recommendation | پیشنهاد | 38 - roughly | تقریباً |
| 18. Security Council | شورای امنیت | 39 - participated | شرکت کردند |
| 19. responsibility | مسئولیت | 40 - Unfortunately | متأسفانه |
| 20. maintaining | حفظ | 41 - unwilling | نامشای |
| 21. elected | انتخاب شده | 42 - independence | استقلال |
| | | 43 - financial | مالی |
| | | 44 - evaluating | ارزیابی |
| | | 45 - preventing | جلوگیری |
| | | 46 - in addition | علاوه بر |

47- provide	فراهم کردن	71- uniform	ناهموار
48- medical care	مراقبت پزشکی	72- uneven	غیرکنواخت
49- efforts	تلاش‌ها	73- incorrectly	ناصحیح
50- immunization	ایمن‌سازی	74- Useless	بی‌فایده
51- rate	نرخ	75- properly	درست
52- announced	اعلام کردن	76- entire	پُر
53- riddling	شبهه‌آمیز	77- resist	مقاومت کردن
54- disease smallpox	بیماری آبله	78- expose	بر معرض قرار دادن
55- humanitarian	انسان‌دوستانه	79- conflict	تعارضات
56- farming and industry	کشاورزی و صنعت	71- took	وقت گرفتن
57- scientific	علمی	72- curious	تجسس‌آمیز، کنج‌آمیز
58- conferences	کنفرانس‌ها	73- Shortage	نقص، کمبود
59- issues	مسئلات	74- Senate	مجلس سنا
60- ownership	مالکیت	75- pollution	آلودگی
61- designates	تعیین کردن، انتصاب	1- Amnesty	عفو، گذشت
62- specific	خاص	2- Sentenced	محکوم شدن
63- focus on	تمرکز کردن بر	3- prison	زندان
64- declared	اطهار، اعلان، اعلام	4- Critical	انتقادآمیز
65- solutions	راه حل‌ها	5- remarks	اطهار، دانش، اظهارات
66- promoting	ترویج دادن	6- lawyer	وکیل
67- contact	تماس	7- incident	رویداد
68- less likely	احتمال وقوع کمتر	8- article	مقاله
69- fragile	سست	9- beliefs	عقاید
70- durable	باروام		

- | | |
|---|--|
| 10 - asked ^{درخواست کردن} | 35 - penalty ^{عجازات} |
| 11 - imprisonment ^{حبس و زندانی شدن} | 36 - impartiality ^{بی طرفانه} |
| 12 - political ^{سیاسی} | 37 - reliability ^{درست کار کردن} |
| 13 - religious ^{مذهبی} | 38 - maintain ^{نگه دار و حفظ} |
| 14 - release ^{آزاد کردن} | 39 - remain ^{باقیمانده، امانت کردن} |
| 15 - demand ^{درخواست کردن} | 40 - individual ^{انفرادی، شخصی} |
| 16 - already ^{پیش از این، قبلا} | 41 - contributions ^{کمک ها} |
| 17 - cases ^{نقشه، مورد} | 42 - accurate ^{صمیم} |
| 18 - primary ^{اولیه، نخستین، عمده} | 43 - interview ^{مصاحبه} |
| 19 - obtain ^{درست آوردن، فراهم کردن} | 44 - witness ^{شاهد، گواهی دادن} |
| 20 - conscience ^{با وجدان} | 45 - profile ^{نمای، شکل، فرم، نمودار} |
| 21 - neither ^{نه این و نه آن} | 46 - negative publicity ^{تبلیغات منفی} |
| 22 - violence ^{خشونت، فشار، تندی} | 47 - awarded ^{حائز دریافت کردن} |
| 23 - trade union ^{اتحادیه کاری} | 48 - anti-apartheid ^{ضد جدایی بین مس و سفید} |
| 24 - jailed ^{زندان شده بودن} | 49 - activists ^{پوستان طرفدار عمل} |
| 25 - adopt ^{انتخاب کردن، ایستادن} | 50 - eventually ^{سرانجام} |
| 26 - formed ^{تشکیل دادن} | 51 - murdered ^{کشته - قاتل} |
| 27 - concentrate ^{تکلیف کردن} | 52 - protest ^{اعتراض آشفتگی کردن} |
| 28 - regularly ^{بلاطوری منظم} | 53 - audiences ^{شنونده گان} |
| 29 - expand ^{توسعه دادن، گسترش} | 54 - mid ^{اواسط} |
| 30 - victims ^{قربانیان} | 55 - pre profits ^{سودها} |
| 31 - abuse ^{سوءاستفاده} | 56 - valuable ^{ارزشمند} |
| 32 - fair trial ^{حاکم عادلانه} | 57 - financial ^{مالی} |
| 33 - torture ^{کشتن} | 58 - staff ^{نظاره، پرسنل، کارکنان} |
| 34 - major ^{اصلی، عمده، بزرگ} | 59 - chapter ^{فصل (کتاب - مجموعه، قسمت، باب)} |
| | 60 - released ^{منتشر کردن} |

61 - offered	تقديم کردن	85 - preserve	حفظ کردن، بایگ نگه داشتن
62 - inform	آگاه ساختن	86 - combat	مبارزه
63 - interest	علاقه مند	87 - vandalize	ویران کردن، خرابکاری کردن
64 - continue	ادامه دادن	1 - acronym	مخفف، اختصار
65 - petition	درخواست	2 - Stand for	نماینده
66 - tirelessly	خستگی ناپذیر	3 - Fund	صندوق
67 - benefit	مردم خیر	4 - Post	پست
68 - vigil	شب زنده داری، رجا	5 - Despite	علایغم
69 - fundraiser	انگیزش برده	6 - rather	نسبتاً، ترجیحاً
70 - conscience	آگاه، هوشیار، طیفت	7 - trains	آموزش
71 - gained	به دست آوردن	8 - Supplies	مواد، ملزومات، تدارکات
72 - freedom	آزادی	9 - equipment	ابزار، لوازم، تجهیزات
73 - worst	بدترین	10 - eradication	ریشه کن شده، تالیف و قمع
74 - forms	نوع، قسم	11 - Sharp	نوک دار، تیز، زبرک
75 - discovered	کشف کردن، پیدا کردن	12 - Polio	بیماری طاع اطفال
76 - cheating	تقلب، تقلب	13 - measles	سرخک، سرخچه
77 - Caught	گرفته شده	14 - tetanus	کزاز، تشنج
78 - stealing	سرقت	15 - routine	جاری، کاری، روتین، عود، رول
79 - bothering	رنجش، پریشانی	16 - whooping cough	سرفه های بزرگ
80 - trip	مسافرت کردن	17 - tuberculosis	مرقش سل
81 - except	غیر	18 - persist	پساست، اصرار، پافشاری کردن
82 - negotiate	تفاوض کردن	19 - budget	بودجه
83 - stand out, be noticeable	برجسته	20 - Sanitation	مراعات اصول بهداشتی
84 - possess	دارا بودن	21 - Overwhelming	طافت فرسا، سخت، طغرانگ
		22 - Suffer	اجازه دادن، تحمل کردن، ننج
		23 - malnutrition	سوء تغذیه

24-lack	عدم، کمبود، فقدان	50-Survivors	خارج زنده ماندگان
25-access	دستیابی، دسترسی	51-Separated	جدا کردن، جدایی
26-adequate	کافی، مناسب، مناسبه	52-traumatized	ضربه خوردن، آسیب دیدن
27-Sanitation	همکاری، تمیزی، بهداشت	53-greeting card	کارت تبریک، نور
28-Globally	کلی، جهانی، سرسری	54-chef	مدرک آشپز
29-ignorance	نادانی، جهل، غیری	55-Appeal	پژوهش، درخواست، التماس
30-Surveys	تحقیق، بررسی، کاوش	56-participating	مهم، شرکت کردن
31-revealed	نشان، معلوم، فاش کردن	57-donated	تهدیه، هدیه دادن، اهدا کردن
32-majority	اکثریت، بیشین	58-expression	بیان، اصطلاح
33-transmitted	انتقال دادن، سرایت کردن	59-pain	رنج، زحمت، درد
34-discrimination	تبعیض، تمیز، تمیز	60-chest	قفسه سینه
35-vital	حیاتی، واسطه، واجب، اساس	61-face	نژاد، سن، قوم، تبار
36-Situations	موقعیت، وضعیت، حالت	62-	
37-disasters	فاجعه، حادثه، بدبختی	1-encompasses	پوشش دادن، شامل بودن، دربر گرفتن
38-respond	واکنش نشان، جواب، پاسخ دادن	2-agree	موافقت کردن، همراهی بودن
39-monsoon	بارش باران موسمی، موسم بارندگی	3-guide	کتاب، راهنما، خلیم داران
40-rivers	رودخانه	4-belong	تعلق داشتن، واسطه بودن
41-contaminated	آلوده کردن، سرایت دادن	5-recognize	بررسی، شناختن، تقدیر کردن
42-rapid	سریع، تند، سریع	6-authority	ملاحضت، اقتدار، قدرت، اقتدار
43-response	جواب، پاسخ	7-judge	کارشناس، قاضی، حکم کردن، قضاوت
44-disaster	فاجعه	8-referees	داورها، داور کردن
45-tsunami	تسونامی	9-association	انجمن، اجتماع، اتحاد، وابستگی
46-hit	اصابت کردن، ضربه خوردن	10-institutions	سازمانها
47-rush	تورش، هجوم، حرکت، تیز رفتن	11-forthcoming	نزدیک، در شرف آمدن، آگاه
48-relief	کمک، امداد، تسکین		دلان، آسوده
49-assistance	کمک، یاری		

- تعریف شده 35 - defined
تأسیس، استقرار 12 - re-establishment
بسیار، زیاد 36 - numerous
استخدام کردن، مشغول، بفرست 37 - engage
واسطه، میانجی، مذاکره 38 - intermediary
تعاون، همکاری، مساعدت 39 - cooperation
عمومی، غیر دولتی، خصوصی 40 - private
نوع انسان، نژاد انسان 41 - mankind
توسعه، ترقی 42 - advancement
تأسیس، رسیدن، انجام دادن 43 - achieve
تناقض، مخالفت، اقلیت 44 - opposition
تجاری، بازرگانی 45 - commercial
استفاده از نفوذ، بهره‌برداری 46 - exploitation
اصول اخلاقی، علم اخلاق 47 - ethics
آگاهی، هوشیاری 48 - awareness
یقیناً، مسلماً 49 - surely
اصطلاح، سنتی، نیاوشده 50 - phrase
الهی، کردن به، فکر کردن 51 - consider
جاهلانه 52 - foolishly
طیالی، تصور 53 - utopia
نبرد، چشم انداز، روشن بینی 54 - prospect
زحمت، نگران، درنگ 55 - trouble
تفحص، اندیشیدن، تفکر 56 - ponder
فاصله، اندازه، مدت 57 - length
لذیذ 58 - delicious
همسر 59 - cousin
کوار 60 - crises
- تسلل، پنا، به قدرت رسیدن
تقدیر کردن، فهمیدن، فرض کردن
مقیاس کردن، درجه، سطح، حقیقت
تسلیم کردن، تسلط کردن، غلبه کردن
احیاء کردن، احسان، ترمیم
قدیم، کهن، دیرینه
تعیین کردن، تعیین کردن
عصر، آغاز، تاریخ دور، عصر
حالت از فکر کردن
مستقر، مبنی
برابری
دموکراتیک
فلسفه، حکمت
بلند، مقام، تجلیل کردن
ترکیب کردن، جمع
متوازن، مقدار
کل، سراسر، دست نخورده، دست
و کیفیت، کیفیت، صفت
تسهیل کردن، کمک
جوانی، تنفس جوان
حیثیت، جوهر، روح
ایثار، پیوستگی، همبستگی
- 30 - quality
31 - contribute
32 - youth
33 - spirit
34 - solidarity

1-exist	وجود داشتن	23-degrade	پایین دادن، تخریب کردن	
2-continent	قاره، اقیانوس	24-merge	ادغام شدن، ترکیب کردن	
3-Desert	بیابان، صحرای خشک	25-edges	لبه، کنار، دوزخ	
4-Common	متداول، اشتراک	26-drought	خشکسالی	
5-across	سراسر	27-soil out.	خاک بیرون	
6-wilderness	ناحیه خلوت، بیابان	28-Eventually	سرانجام	
7-barren	لیم نر، بی حاصل	29-blown	دمیده شده	
8-lush	پربار، پربرکت، باغ	30-washed	شسته	
9-vegetation	گیاهان، پوشش گیاهی	31-accelerated	تسارع	
10-hug	در آغوش گرفتن، بغل کردن	32-overgrazing	چرای بیش از حد	
11-reveal	اشکار کردن، فاش کردن	33-root	ریشه	
12-static	استایه، ثابت	34-protective	محافظ	
13-rose	گل سرخ (سرخ فلفله)	35-eroded	فرسوده	
14-dry	خشک، بی آب	36-vulnerable	آسیب پذیر	
15-due	باید، طلب، درست	37-improper	نامناسب	
16-to	بر حسب، در برابر، سوی	38-irrigation	آبیاری	
17-marker	نشان، علامت	39-divert	مصرف کردن	
18-process	روند	40-crop	محصولات	• decorate
19-turning	تبدیل	41-gain	اقتباس	• زندگی کردن
20-productive land	زمین حاصله	42-dams	سد ها	• weave
21-desertification	دگرگونی صحرائی	43-dried up	خشک	بافت
22-take place	مکانی وقوع و تکرار	44-acted	عمل	
		45-barrier	مانع	
		46-die off	می میرد	
		47-toward	نسبت به	

48-deforestation	قطع درختان جنگلی	72-described	توصیف
49-heating	گرمایش	73-Creeping	خزنده
50-exposed	در معرض	74-catastrophe	فاجعه
51-shade	سایه	75-uninhabitable	غیر قابل سکونت
52-enrich	غنی کردن	76-agriculture	کشاورزی
53-deprived	محروم	77-Supply	تأمین، آذوقه
54-pieces	قطعات	78-dropped	گامش یا نه است
55-adept	ماهر	79-suddenly	ناگهان
56-reclaim	اصلاح کردن	80-shells	پوسته
57-drought	خشکی	81-temporary	موقت
58-quite	کاملاً	82-facilities	امکانات
59-erosion	فرسایش	83-accessible	در دسترس
60-stretch	بسط	1-native	بومی، بلی
61-thin	نازک	2-Continued	قاره، اقلیم
62-livestock	احشای	3-abundance	فراوانی، وفور
63-ban	منع	4-erode	ساییده شدن
64-alternative	دلیل	5-Settlers	مهاجران
65-solar	خورشیدی	6-Scemed	به نظری رسید
66-turbines	توربین	7-endless	بی پایان
67-despite	با وجود	8-astonishing	عجیب
68-estimated	برآورد	9-magnificent	مجلل
69-hectare	هکتار	10-scenery	هشتم انداز
70-refugees	پناهنده	11-abundant	فراوان
71-spokesman	سخنور	12-geysers	آتشفشان

13 - waterfalls	آبشارها	36 - lead	رهبری
14 - lake	دریاچه	37 - immense	عظیم و وسیع
15 - huge	کدام	38 - popularity	شعبه
16 - citizens	شهروندان	39 - undoing	در حال لغو
17 - wonders	شگفتی	40 - crowded	شلوغ
18 - descendants	آرمان	41 - noisy	پر سر و صدا
19 - chance	شانس، شانس	42 - surrounding	محیط
20 - convinced	متقاعد	43 - threatened	تهدید
21 - assigned	اختصاص داده	44 - diversion	تفریح
22 - vandalism	وandalism	45 - immense urban	شهری
23 - curious	کنجش	46 - degraded	فشار
24 - visitors	آخرین بازدید	47 - overuse	استعمال مفراط
25 - Army	ارتش	48 - ecosystems	اکوسیستم
26 - hunting	شکار	49 - rugged	تپه
27 - banned	ممنوع	50 - shoreline	خط ساحلی
28 - realizing	حقیق	51 - peaks	تپه
29 - preserve	شماره	52 - islands	جزیره
30 - habitats	زیستگاه	53 - plagued	تهدید
31 - historic	تاریخی	54 - vistas	منظر
32 - cultural	فرهنگی	55 - deposition	سکوب
33 - significance	اهمیت	56 - mercury	جیوه
34 - hiking	کوچ و سفر	57 - subtropical	نیمه گرمسیری
35 - boating	قایق رانی	58 - coexist	همزیستی
		59 - sadly	متأسفانه
		60 - registers	ثبت

61 - boasts	درازی	83 - wath watersheds	حوضه
62 - register	ثبت	84 - Seat	مندی
63 - dramatically	به طور چشمگیری	85 - krill	کریل
64 - glaciers	یخچال‌ها	86 - graze	چراندن
65 - retreated	عقب‌نشینی	87 - drilling	حفز
66 - capital	پایتخت	88 - dig down	حفاری
67 - diverse	متنوع	89 - mineral	معدهنی
68 - haziest	مه‌آلود	90 - Seaweed	چلب دریایی
69 - endangered	در معرض خطر	91 - pyramids	پایه‌ها
70 - massive species	گونه عظیم	92 - wolves	گرگ
71 - contain	شامل	93 - disaster	فاجعه
72 - continental	قاره‌ای	94 - catastrophe	فاجعه بزرگ
73 - pesticides	آفت‌کش‌ها	95 - territory	خاک
74 - decline	کاهش	96 - infertile	نابارور
75 - botanical	گیاه‌شناسی	97 - lash	بازگشود
76 - hosts	میزبان	98 - contaminated	آلوده
77 - approximately	تقریباً	99 - cheat	غیرب‌دادن
78 - pollutes	آلوده	100 - murder	قتل
79 - streams	جریان	101 - exploit	بهره‌برداری
80 - neutralizing	خنثی	102 - ponder	تفحص
81 - capacity	ظرفیت	103 - cooperative	تعاونی
82 - sensitive	حساس	104 - foolhardy	بی‌پروا
		105 - designate	تعیین
		106 - crave crave	اشتیاق داشتن

- 1- variety تنوع 25- arrival ورود، دخول
- 2- medicinal دارویی، شفا بخش 26- forbidden ممنوع
- 3- chew جویدن، خابیدن 27- failure عیب، نقص، شکست
- 4- rubbed مالیده 28- ban حکم، ممنوع کردن
- 5- heal شفادرسان، خورشیدن 29- due طلب، بدهی، درست
- 6- wound زخم کهن، جراحت 30- taxing عوارض، پرداخت مالیات
- 7- burn سوختن، سوزاندن 31- widespread همه جانبه، گسترده
- 8- cure درمان، علاج، دارو، شفا 32- relieve راحت کردن، آزار برداشتن، تسکین دادن
- 9- toothaches دندان درد 33- tension زور، کشش، امتداد
- 10- rite مراسم، تشریفاتی، آداب 34- lung ریه، خلبسفید، شش
- 11- spirit ششدریات، الهی 35- Cancer سرطانات
- 12- eagerly مشتاقانه، آرزومندانه 36- evidence بینه، شاهد، گواهی، ثابت کردن
- 13- encounter برخورد، مواجهه 37- Surgeon رئیس جراحی
- 14- snuff سواخیدن 38- label برچسب، لقب، اصطلاح
- 15- basically بطور اساسی 39- appear ظاهر شدن، نمودار شدن
- 16- finely بطور عالی، با ظریف، با ریز 40- respond جواب دادن، واکنش نشان دادن
- 17- inhale تنفس کردن، استنشاق 41- addictive معتاد کننده
- 18- habit عادت 42- toxic مسموم، زهرآلود، سمی، مسمی
- 19- export صدور، صادر کردن 43- least کمترین، قدر کمترین
- 20- cultivate کشت کردن، تربیت 44- poisonous زهر دار، سمی
- 21- ambassador سفیر، پدید 45- leading نامده خطوط، راهنما، هدایت، نفوذ
- 22- honor افتخار، امتیاز، نشان 46- post-op پس از عمل
- 23- pipes لوله ها، لوله ها 47- complication (جراحی) پیچیدگی
- 24- frightened وحشت زده 48- occupy اشغال کردن، تصرف کردن

- 49 - secondhand دست دوم 68 - poverty فقر، تنگدستی
- 50 - adult بالغ، بزرگ 69 - discord ناسازگاری، جحوا، نزاع
- 51 - inhaling استنشاق 70 - vital حیاتی
- 52 - respiratory تنفسی 71 - potential پتانسی، عامل، ذخیره‌ای
- 53 - far دور، خیلی، بعید، فلابو 72 - wealth ثروت، دارایی
- 54 - indoor داخلی، زیر سقف، درونی 73 - achieve دست یافتن، رسیدن، تحویل
- 55 - effectiveness اثربشی، تأثیر، کارایی 74 - miscalculate اشتباه محاسبه
- 56 - ~~virtually~~ virtually واقعاً، معنای 75 - misplace جایگزینی
- 57 - ought بایستی، باید 76 - mismanage به ادا کردن
- 58 - burial تدفین، خاکسپاری 77 - misbehave بی‌ادبی کردن
- 59 - ingredients اجزاء، عوامل، عناصر 78 - mislead گمراه کردن
- 60 - generous سخی، بخشنده، زیاده 79 - misunderstand درست نفهمیدن
- 61 - bandage نوار، زخم‌بند 80 - misread به تعبیر کردن
- 62 - wear پوشیدن، فرسودگی، پوشاک 81 - misprint غلط چاپی
- 63 - household خانواده، خانگی
- 64 - storm کولاک، توفان، تغییر ناگهانی هوا، بویس آوردن
- 65 - deprive محروم، محروم کردن
- 66 - boost بالا بردن، کمک کردن
- 67 - volatile متغی، لطیف